

رفع موانع در سرمایه گذاری و تولید از اشتغال راهکار توسعه

مهندس سید حسن هفده تن مدیر کل دفتر مدیریت راهبردی منابع انسانی و سیاستگذاری اشتغال



بنیاد هریتیج در گزارش ۲۰۰۱ میلادی خود در خصوص آزادی اقتصاد ایران، ایران را در بین کشورهای جهان، از لحاظ سیاست های تجاری، موقعیت سرمایه گذاری های خارجی، قوانین و مقررات سیاست های پولی، بانکداری و تامین مالی در رتبه ۱۵۱ قرار داده و از مجموع ۵ امتیاز، امتیاز ۴/۷ را (به عنوان بدترین امتیاز) و امتیاز ۴ را برای محورهایی چون دخالت دولت، کنترل حقوق و قیمت را برای ایران در نظر گرفته است.

تمامی این اعداد حاکی از آن است که اقتصاد کشور، یک اقتصاد بیمار بوده و یکی از اثرات آن نیز نرخ بسیار بالای بیکاری در جامعه می باشد. در این رابطه آمارهای متفاوتی ارائه شده است ولی آنچه مسلم است منطبق نبودن آمارهای رسمی با واقعیت های جامعه می باشد. واقعیت هایی که مولود سیاستهای غلط و ناکارآمد مسوولین کشور بوده و در نهایت منجر به بروز فساد و آسیب های اجتماعی بخصوص در بین جوانان می شود.

تا کنون تصمیمات و برنامه ریزی های زیادی در رابطه با مساله اشتغالزایی در کشور صورت پذیرفته اما تا به این لحظه شاهد دستاورد خاصی نبوده ایم و معضل بی کاری همچنان در سر جای خود باقی مانده است.

اقداماتی که وزارت کار و امور اجتماعی در یکسال اخیر انجام داده نشان از تصمیم جدی دولت به منظور کاهش نرخ بیکاری دارد.

در این راستا گفتگویی را با مهندس سید حسن هفده تن مدیر کل دفتر مدیریت راهبردی منابع انسانی و سیاستگذاری اشتغال ترتیب داده ایم.

ایشان فارغ التحصیل رشته مهندسی صنایع در سال ۵۵ از دانشگاه علم و صنعت بوده و حدوداً ۳۰ سال در بخش های مختلف خصوصی و دولتی اعم از سازمان صنایع دفاع، وزارت کار و امور اجتماعی و بیش از ۱۷ سال در سمت مدیریت های اجرایی در بخش خصوصی فعالیت داشته است.

مسئولیت های ایشان در دهه اخیر عبارت بوده است از وابسته کار دولت در ایتالیا، نماینده وزارت کار و امور اجتماعی در سازمان

بین المللی کار، مدیر

کل روابط بین الملل و در حال حاضر نیز به عنوان مدیر کل دفتر مدیریت راهبردی منابع انسانی و سیاستهای اشتغال منصوب شده اند.

آنچه می خوانید حاصل گفتگوی ما با ایشان است.

■ در ابتدا توضیح مختصری را در رابطه با وضعیت اشتغال در ایران ارائه فرمایید؟

می توان گفت اشتغال برآیند همه فعالیت های اقتصادی دستگاه های مختلف بوده و در حال حاضر نیز فصل مشترک عمده ترین دغدغه های دستگاه های اقتصادی و اجرایی مملکت می باشد بنده اعتقاد دارم که ظرفیت هاو منابع مالی لازم به منظور ایجاد اشتغال در کشور وجود دارد اما متأسفانه به علت عدم استفاده بهینه از منابع موجود، ضعف مدیریتهای اجرایی در کشف ظرفیتهای قابلیت های منطقه ای و تعامل ضعیف دانشگاه و صنعت از یک طرف و تعاملات قهر آمیز تشکیلهای کارفرمایی و کارگری با دولت شرایط مطلوبی را متناسب با ظرفیتهای موجود در ارتباط با تحقق اهداف اقتصادی و آرزوهای عدالتخواهی فراهم نکرده است.

امروزه مشکل بی کاری دامن گیر تمامی کشورهای

جهان شامل کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه می باشد و آمارهای رسمی حاکی از آن است که نرخ بی کاری واقعی در اکثر کشورهای فوق دو رقمی است، اما از آنجایی که سیاست های انفعالی بازار کار آنان برنامه ریزی شده و قوی است بحران بی کاری به صورت بسیار مشهود و آشکار نمی باشد.

نرخ ۲/۹ درصدی رشد جمعیت در دهه آغازین انقلاب، جمعیت جوانان را در سالهای اخیر آماده ورود به بازار کار نموده و از آنجایی که زمینه های لازم به منظور تحقق اشتغال آنها صورت نگرفته، لذا عرضه و تقاضای نیروی کار از تعادل خارج و فراوانی عرضه نیروی کار فاقد مهارت، دولت و کشور را با چالشهای عدیده ای روبرو ساخته است.

در برنامه چهارم توسعه ایجاد سالانه چیزی حدود یک میلیون فرصت شغلی پیش بینی و برنامه ریزی شده اما با نگاهی کارشناسانه به اقتصاد دولتی و بیمار گونه موجود، دستیابی به چنین رقمی عملاً امکان پذیر نیست. ایجاد سالانه یک

در برنامه چهارم توسعه ایجاد سالانه چیزی حدود یک میلیون فرصت شغلی پیش بینی و برنامه ریزی شده اما با نگاهی کارشناسانه به اقتصاد دولتی و بیمار گونه موجود، دستیابی به چنین رقمی عملاً امکان پذیر نیست. ایجاد سالانه یک میلیون فرصت شغلی نیازمند رشد اقتصادی بالای ۸ درصد می باشد که با وضعیت موجود به سختی می توان به رشد بالای ۶٪ دست یافت. ایجاد یک میلیون اشتغال سالانه به معنای ایجاد ۱/۹ فرصت شغلی در هر دقیقه بوده که دستیابی به چنین رقمی با ساز و کارهای موجود اندکی غیر واقع بینانه است.

میلیون فرصت شغلی نیازمند رشد اقتصادی بالای ۸ درصد می باشد که با وضعیت موجود به سختی می توان به رشد بالای ۶٪ دست یافت. ایجاد یک میلیون اشتغال سالانه به معنای ایجاد ۱/۹ فرصت شغلی در هر دقیقه بوده که دستیابی به چنین رقمی با ساز و کارهای موجود اندکی غیر واقع بینانه است. هر چند که طبق آخرین آمارهای رسمی ارائه شده نرخ بی کاری در حدود ۱۲/۸ درصد تخمین زده شده است ولی من معتقدم نرخ بی کاری واقعی و خصوصاً نرخ بی کاری جوانان به مراتب بالاتر است.

نرخ بی کاری واقعی به علت بی کاریهای پنهان، همچنین بی کاری های ساختاری که عمدتاً ناشی

از عدم آموزشهای مهارتی معطوف به نیازهای واقعی بازار کار می باشد در صورت اصلاح مدیریت منابع انسانی در قلمرو دانشگاه ها، مدارس متوسطه و هنرستانها و نهادهای غیر رسمی آموزشهای حرفه ای مشروط به تجدید نظر ساختاری با هدف تربیت نیروی انسانی ماهر متناسب با نیازهای بازار کار قابل کنترل و خروج از وضعیت بحرانی است.

همانطور که اطلاع دارید در تمامی دوره های بعد از انقلاب بی کاری فصل مشترک دغدغه های دستگاههای مختلف دولتی بوده است اما در دولت فعلی این مساله به صورت بسیار جدی مورد توجه تمامی دستگاهها بوده و ایجاد اشتغال از محورترین فعالیتهای آنها به شمار میرود. در حقیقت نمی توان متولی امر اشتغال راه دستگاه خصوصی دانست زیرا حل این مساله نیازمند تعامل و همکاری تمامی دستگاهها می باشد اما وزارت کار و تامین اجتماعی جدا از رسالت اصلی خود تلاش های زیادی را به منظور هماهنگی بین دستگاههای مختلف آغاز کرده است و همواره در حال بازنگری و بررسی سیاست های اتخاذ شده بلند مدت توسط دستگاههای متولی امر اشتغال بوده است، زیرا اشتغال برآیند بازارهای چهارگانه: بازار سرمایه، بازارهای پولی و مالی، بازار کالا و بازار کار می باشد و چنانچه این بازارها هر کدام در درون خود و در تعامل با سایر بازارها عملکرد خوبی نداشته باشند، مشکل اشتغال بقوت خود باقی خواهد ماند.

به عنوان مثال بازارهای پولی و مالی یکی از مسائلی است که چنانچه سیاست های آن بر طبق یک روند منطقی و علمی اعمال گردد، با ارسال علائم مثبت موجب تقویت بازار سرمایه می شود و سرمایه های افراد ایرانی مقیم خارج از کشور و سرمایه های مستقیم خارجی را جذب می نماید و در این صورت افراد حاضر به ریسک پذیری در زمینه سرمایه گذاری در کشور خواهند شد. در واقع استقلال بانک مرکزی یکی از عمده ترین و آشکارترین شاخص ها به منظور محک سیاست های پولی و مالی می باشد به این معنی که هر چه بانک مرکزی در سیاست گذاریهای خود مستقل عمل کند می توان به صحت سیاست های پولی و مالی یقین حاصل نمود و هر قدر بانک مرکزی در این ارتباط خلع سلاح گردد منجر به تنگ شدن حصارهای بازار سرمایه و رکود و سکون در امر سرمایه گذاری گردیده و این مساله خود نیز بر بازارهای کالا و خدمات و بازار کار تاثیر منفی خواهد گذاشت. یکی از مهمترین اقدامات به منظور ایجاد اشتغال، رفع موانع سرمایه گذاری در کشور با هدف بزرگسازای اقتصاد کشور است. ما تلاش بسیار زیادی را برای شناسایی این موانع انجام داده ایم و تا به امروز حدوداً ۲۳ مورد آن را احصا نموده و قصد داریم در چارچوب کارگروههای کارشناسی و همکاری اساتید بر جسته کشور، موانع شناسایی شده را در چارچوب بازنگری و اصلاح قوانین و

فضای کسب و کار می باید برای افراد سرمایه گذار فراهم شود تا آنها از جانب برنامه ریزیهای دولت برای یک دوره بلند مدت کاملاً احساس امنیت کنند. مادام که سیاست گذاری های پولی و مالی منجر به کمتر شدن نرخ سود آوری فعالیت های تولیدی نسبت به سایر فعالیت ها شوند نیاید امید چندانی به بهبود وضعیت اشتغال در کشور داشت

مقررات جمع بندی و از طریق شورای عالی اشتغال تقدیم دولت و مجلس کنیم. علاوه بر شناسایی موانع سرمایه گذاری، مرتفع نمودن موانع تولید نیز از اهم مواردی است که باید در کانون توجه سیاست گذاران قرار گیرد، در غیر اینصورت بعد از دوره کوتاه مدتی به دلایل عدم دسترسی به بازارهای فروش داخلی، منطقه ای و جهانی، سرمایه گذاریهای موجود دچار مخاطرات جدی و سرمایه گذاران در آستانه ورشکستگی قرار خواهند گرفت. به این ترتیب فرصت های شغلی زیادی از بین رفته و منابع مالی و انسانی زیادی دچار ضرر و زیان های غیر قابل جبران می شود که مساله اشتغال به خودی خود از این ناحیه لطمه خواهد خورد. لذا موانع تولید یکی از جدی ترین موانع برای توسعه سرمایه گذاریهای جدید است و به همین دلیل ما پژوهشهای وسیعی را در این زمینه آغاز کرده ایم و امیدواریم بتوانیم در چارچوب اصلاح قوانین و مقررات در اولین فرصت ممکن، موفق به ارائه نتایج کار به شورای عالی اشتغال باشیم.

■ در صحبتها به این مساله اشاره کردید که با دستیابی به نرخ رشد ۸ درصد می توان به ایجاد یک میلیون فرصت شغلی در سال دست یافت، آیا تا به امروز راهکاری برای دستیابی به این امر اتخاذ نموده و اقدامی در این جهت صورت پذیرفته است؟

به اعتقاد من در اقتصاد نفتی حتی اگر به نرخ رشد ۸ درصد هم دست پیدا کنیم، این رشد، اشتغال برنامه ریزی شده را محقق نخواهد کرد. بنظر من یکی از مهمترین راهکارها، افزایش بهره وری می باشد. همانگونه که مطلع هستید ارتقا نرخ بهره وری کار آسانی نیست زیرا در دهه گذشته شاخص های بهره وری در زمینه سرمایه و نیروی کار منفی بوده اما دولت در برنامه ریزی های خود مصمم است ۲٪ از رشد مورد نظر خود را از طریق ارتقاء بهره وری تحقق بخشد. البته این امر مشروط به ظهور مدیریتهای فرهیخته اجرایی و مجرب در عرصه های مختلف کشور است. مدیریت کارآمد در تمامی زمینه ها یکی از کلیدی ترین

عوامل موفقیت به شمار می رود و برای دستیابی به اهدافی که عنوان شد مدیریت در سطح استانی در داخل کشور و نیز مدیریت خارجی کشور بسیار موثر می باشد. در این میان بازارهای منطقه ای جهان زمینه های خوبی برای حضور کالاهای تولید شده هستند و حصول به این امر تنها در سایه تعامل با دنیای خارج میسر خواهد بود، لذا عمده ترین و کلیدی ترین محور در بازگشایی بازارهای بین المللی عملکرد مدیریت خارجی کشور می باشد چنانچه ما تعامل درستی از لحاظ سیاسی با سایر کشورها برقرار نکنیم موفق به ایجاد تعاملات تجاری و اقتصادی قابل قبول برای دستیابی به نرخ رشد اقتصادی و فرصتهای شغلی هدف گذاری شده نخواهیم شد.

تردیدی نیست که جمهوری اسلامی ایران تا ده سال آینده به سازمان تجارت جهانی ملحق خواهد شد و زمانی که دیوارهای تعرفه فروریزد، کشورهایی پایدار خواهند ماند و موفق به حفظ فرصت های شغلی خود خواهند شد که از توان رقابتی بالایی بر خوردار باشند و همه اینها مستلزم حضور مدیریت های توانمند و کارآمد در عرصه های اقتصادی و صنعتی است تا با استاندارد سازی کیفیت کالاها، رقابتی کردن قیمت ها، مشتری ملاری و ارائه محصولات متناسب با سلاقی و نیازهای بازارهای داخلی و خارجی تعامل خود را با آنها برقرار نمایند.



■ مجموعه وزارت کار و امور اجتماعی در راستای بحث اشتغال تا چه اندازه سعی نموده تا با دستگاههای خصوصی ارتباط برقرار کند؟

در حال حاضر وزارت کار ابتکار خوبی را با هدف جلوگیری از انلاف منابع تخصیص داده شده به بنگاه های زود بازده و کارآفرین از طریق توسعه و ایجاد شرکتهای خصوصی مادر تخصصی و توسعه کارآفرینی که در امر هدایت، نظارت، مدیریت، آموزش، استاندارد سازی کالا، بازار سازی و بازار یابی محصولات عهده دار مسوولیت های محوری و کلیدی خواهند شد آغاز نموده است. یکی دیگر از مهمترین ابزارهایی که برای اجرای پروژه های اشتغال و کارآفرینی نیازمند آن هستیم

تعامل سازنده تشکل های کارگری و کارفرمایی با دولت است.

تشکل های صنفی - تخصصی کارفرمایی و کارگری از موثرترین ابزارها برای تحقق برنامه های استراتژیک توسعه بوده و تا زمانی که همدلی و هم آوایی بین شرکاء اجتماعی شکل نگیرد، دستیابی به اهداف اقتصادی و آرمانهای سند چشم انداز بسیار مشکل خواهد بود. شرایط موجود کشور نشان دهنده اراده ملی برای برطرف نمودن موانع مختلف اشتغال است که این امر مستلزم تعامل با بخش خصوصی، سرمایه گذاریهای داخلی و خارجی و توسعه بازارهای مختلف می باشد.

■ در کشور از طرق مختلف مانند ارائه تسهیلات گوناگون افراد تشویق به امر کارآفرینی می شوند اما در عمل قوانین و مقررات اجازه فعالیت در بخش خصوصی و کارآفرینی را نمی دهد این پاراداکس و تضاد را شما چگونه تعبیر می کنید؟

همانگونه که قبلاً اشاره کردم برطرف نمودن موانع سرمایه گذاری و تولید و بحث پایدارسازی اشتغال در بنگاههای اقتصادی شدیداً مورد توجه وزیر کار و همکاران ایشان بوده و به این منظور وزارت کار، تعاملات بسیار نزدیک و تنگاتنگی را تا به امروز با سایر وزارتخانه ها و دستگاهها برقرار نموده است. ما در حال حاضر درصدد تنظیم قراردادهای همکاری و موافقت نامه هایی با دستگاههای مختلف هستیم و بخشی از این اقدامات در راستای شناسایی تنگناهای حقوقی و قانونی در عرصه قانون گذاری، آئین نامه ها، مقررات و بخشنامه هایی بوده است که هم اکنون در دستگاههای مختلف وجود دارند که هر کدام دست اندازی در سر راه تولید محسوب می شوند.

وزارت کار این موارد را پس از شناسایی در اختیار شورای عالی اشتغال قرار می دهد تا مورد بازبینی و بازنگری قرار گرفته و از طریق دولت تقدیم مجلس شود. درحقیقت هر کشوری که درصدد موفقیت در اهداف اقتصادی باشد می بایست موانع سرمایه گذاری و تولید را برداشته و سودآور بودن فعالیت های تولیدی را در مقایسه با سایر فعالیتها بزرگنمایی کند و از کارفرمایان بخش تولید به عنوان مشاورین امین دولت در تدوین استراتژی صنعت و تکنولوژی بهره گیرد. تولید، کار بسیار پرزحمتی است و تولید کننده باید عاشق این کار بوده و از ویژگی هایی همچون

تخصص در کار، درایت و کاردانی، شکیبایی و تحمل پرخطر دار باشد و انتظار منطقی و معقولی از سود داشته باشد. به همین لحاظ فضای کسب و کار می باید برای افراد سرمایه گذار فراهم شود تا آنها از جانب برنامه ریزیهای دولت برای یک دوره بلند مدت کاملا احساس امنیت کنند. مادام که سیاست گذاری های پولی و مالی منجر به کمتر شدن نرخ سود اوری فعالیت های تولیدی نسبت به سایر فعالیت ها شوند نباید امید چندانی به بهبود وضعیت اشتغال در کشور داشت. به عنوان مثال ممکن است در یک مقطع کوتاه زمانی ارائه تسهیلات و یارانه ها عده ای را تشویق به امور تولیدی نماید اما در آینده ای نه چندان طولانی دوباره سرمایه ها از بخش های تولیدی فرار کرده و روانه بازار خدمات غیر مولد و دلالی می شوند.

■ از دیدگاه شما چه زمانی ما میتوانیم شاهد اثرات و نتایج عمل این تلاش ها و هماهنگی های وزارت کار باشیم؟
اصولا فرآیند ایجاد اشتغال مولد و پایدار یک پروسه کوتاه مدت نیست و نمی توان گفت که ظرف ۶ ماه یا یک سال آینده ما به تمامی برنامه های خود در زمینه اشتغال دست خواهیم یافت. ما اگر در پایان برنامه چهارم توسعه حتی به ۷۰ درصد اشتغال برنامه ریزی شده دست پیدا کنیم به طوری که نرخ بی کاری و نرخ تورم تک رقمی شوند، میتوانیم ادعا کنیم که نتایج عملی اقدامات تحقق یافته است. به اعتقاد من باید فرهنگ سازی کرد تا کارفرمایان جایگاه واقعی خود را بیابند و از وجود آنها به عنوان مشاوران قدرتمند و امین دستگاه بهره گرفته شود. مادامی که این امر تحقق نیابد نمی توان امید چندانی به پایدار بودن واحدها و بنگاه های تولیدی داشت. اساسا یکی از مشکلاتی که امروزه در تمامی دستگاه ها وجود دارد جزیره ای عمل کردن آنهاست که این امر نهایتا منجر به اتلاف منابع و عدم دستیابی به توسعه پایدار و متوازن در سطح مناطق خواهد شد.

■ شما در صحبت های خود به نقش وزارت کار و امور اجتماعی به عنوان عضو هماهنگ کننده بین دستگاه های مختلف در رابطه با اشتغال اشاره کردید ولی نتایج نشان می دهد نظارت کاملی بر روی این قضیه وجود ندارد. به عنوان مثال آیا وزارت کار این توانمندی را دارد که بر روی عملکرد وزارت صنایع و با وزارت علوم نظارت موثری داشته باشد؟
واقعیت آن است که مدیریت منابع انسانی و بین دستگاهی پارامتر بسیار مهمی در موفقیت برنامه های کلان اقتصادی یک کشور به شمار می رود و به همین منظور تنظیم بازار کار و تطابق و همگون سازی آن با آموزش های عالی کشور (اعم از مقاطع متوسطه، فنی و حرفه ای، آموزش های عالی) از جمله مسائلی هستند که می بایست توجه خاصی به آنها شود زیرا سالانه منابع بسیار زیادی به آنها تخصیص داده می شود و چنانچه خروجی آنها متناسب با نیازهای بازار



به اعتقاد من حذف تصدی گری های دولت و جایگزینی آن با بخش خصوصی می باید در راس سیاست های کلان دولت قرار گیرد زیر تصدی گری های دولت جز ناکارآمدی مدیریتی، رانت خواری، فساد و فلج کردن اقتصاد کشور هیچ چیز دیگر را به ارمان نیآورده است.

و سیاست های معاونت امور کارآفرینی وزارت کار می باشد. امروزه مشاغل جدیدی در دنیا در حوزه فن آوری ها و تکنولوژی های جدید مانند نانو تکنولوژی، بیو تکنولوژی و رشته های میانی صنایع زیردستی صنایع نفت، گاز، پتروشیمی، خدمات و ... قابل احصا و شناسایی است که برنامه ریزی برای آموزشهای مهارتی آنها بسیار مهم می باشد که ورود به عرصه آنها گامی اساسی در بزرگسازي اقتصاد و ایجاد فرصتهای شغلی جدید است.

وزارت کار به لحاظ قانونی و حقوقی نمی تواند در راستای برنامه های اشتغال به هیچ دستگاهی دستور دهد و تنها می تواند با اتخاذ تدابیر خردمندانة و تعاملات سازنده انگیزه های لازم را در سایر دستگاهها برای همکاری و مشارکت فعال فراهم سازد.

■ به نظر شما چه سازمانی می تواند این قضیه را به صورت دستوری پیگیری نماید؟

من فکر می کنم در این زمینه سازمان مدیریت و برنامه ریزی جایگاه تعریف شده و قانونمندی را در خصوص برنامه ریزی، ساماندهی و معماری منابع انسانی و تئوری اقتصاد کشور ایفا می کند.

■ وزارت کار و امور اجتماعی در رابطه با بحث سیاست گذاری های اشتغال تا چه اندازه حاضر است با بخش خصوصی تعامل داشته باشد؟

در حال حاضر ظرفیت اقتصادی کشور پاسخگوی دستیابی به نرخ رشد ۸ درصدی نمی باشد زیرا مجموعه سرمایه گذارها و پتانسیل های موجود در کشور حدود ۱۲۰ الی ۱۵۰ میلیارد دلار است. برای دستیابی به یک میلیون فرصت شغلی ما نیازمند فضای اقتصادی مناسب و بزرگتری بوده و این امر مستلزم کشف پتانسیلهای جدید در عرصه صنایع معدنی، سنگهای قیمتی، اکو توریسم و صنایع وابسته، توسعه صنایع بزرگ

استراتژیک با هدف منظومه سازی صنایع کوچک و پایدارسازی اشتغال واحدهای کوچک حداقل به فضای اقتصادی دو برابر فعلی نیازمندیم. به عنوان مثال صنعت توریسم در ایران از جمله گزینه هایی است که در صورت ورود بخش خصوصی قادر خواهد بود یک میلیون فرصت شغلی پایدار ایجاد نماید. اما می بایست در ابتدا سیاستهای دولت در این زمینه تدوین و کاملا شفاف سازی و خط قرمزها مشخص گردد تا زمینه های لازم برای سرمایه گذاری بخش خصوصی فراهم گردد.

در زمینه سنگهای تزئینی و قیمتی نیز به جرات می توان ادعا کرد که با یک برنامه ریزی صحیح بخش خصوصی قادر است ظرف ۱۰ سال آینده آن را جایگزین صنعت نفت کند.

به اعتقاد من حذف تصدی گری های دولت و جایگزینی آن با بخش خصوصی می باید در راس سیاست های کلان دولت قرار گیرد زیرا تصدی گری های دولت جز ناکارآمدی مدیریتی، رانت خواری، فساد و فلج کردن اقتصاد کشور هیچ چیز دیگر را به ارمان نیآورده است.

در حال حاضر دفتر مدیریت راهبردی منابع انسانی و سیاستهای اشتغال درصدد است بسته های سیاسی به منظور برطرف نمودن موانع سرمایه گذاری را تهیه نماید. این سیاست ها از طریق شورای عالی کار به دولت ارائه می شود تا پس از تصویب مجلس وارد مراحل اجرایی گردد. در حقیقت باید بگویم وزارت کار مسوولیت ساماندهی، تنظیم، تسهیل و تحقق بسته های سیاسی سایر دستگاهها را در زمینه اشتغال عهده دار گردیده و مصمم است با همکاری تمامی دستگاهها و نهادهای دولتی و بخش خصوصی موانع سرمایه گذاری و تولید را بر طرف نماید.

در حال حاضر وزارت کار و امور اجتماعی تفاهم نامه ها و قرارداد های همکاری فنی را با تعدادی از دستگاههای دولتی و خصوصی توانمند امضا نموده تا از طریق ایجاد شرکتهای توسعه کارآفرینی نظارت هدفمندی را بر اعتبارات تخصیص داده شده به بنگاههای کارآفرین و توسعه صنایع بزرگ استراتژیک و مادر اعمال نماید. هر چند که حضور شرکتهای مادر تخصصی عاملی کلیدی برای تضمین موفقیت بنگاههای کارآفرین محسوب می شود لیکن همچنان ضرورت شکل گیری کامل انجمن های صنفی - تخصصی کارفرمایی و کارگری به منظور تعامل سازنده و صمیمانه با دولت برای نائل شدن به اهداف سند چشم انداز امری اجتناب ناپذیر خواهد بود.

در پایان مجددا تاکید می کنم که مدیریت های اجرایی توانمند حرف اول را در تمامی صحنه ها از جمله تولید، صادرات، بازار سازی و نیز در پی گیری اهداف و سیاستگذاری های دولت می زنند و دولت می بایست صرفنظر از گرایش های سیاسی در پی کشف و بها دادن به مدیریتهای توانمند و لایق اجرایی بوده و بستری لازم را برای بروز و ظهور خلاقیتها و نوآوریهای آنها فراهم سازد.